

# مذاکرات هسته‌ای و رویکرد مجلس شورای اسلامی

سخنران: دکتر علاءالدین بروجردی

گزارش نشست علمی - تخصصی دفتر مطالعات سیاسی (۱۲)

مطالب مطرح شده در این نشست لزوماً  
بیانگر موضع رسمی مرکز پژوهش‌ها نیست.

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۳۴۳۴

دفتر: مطالعات سیاسی

دی‌ماه ۱۳۹۲

به نام خدا

## فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۲.....	پیشینه فعالیت‌های ایران و دستیابی به دانش هسته‌ای
۵.....	نقش مجلس شورای اسلامی در حفظ حقوق هسته‌ای
۶.....	دولت یازدهم و مذاکرات هسته‌ای
۹.....	پرسش و پاسخ



## مذاکرات هسته‌ای و رویکرد مجلس شورای اسلامی

سخنران: دکتر علاءالدین بروجردی

گزارش نشست علمی - تخصصی دفتر مطالعات سیاسی (۱۲)

### چکیده

پرونده هسته‌ای ایران از بدو طرح تاکنون فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است. از همکاری و تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی در دولت هشتم تا قطع همکاری‌ها و در نتیجه آن وضع تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران. روندی که تاکنون طی شده است درس‌های فراوانی پیش روی تصمیم‌گیران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار داده که این درس‌ها و دیگر نکات مهم در روند پرونده هسته‌ای در نشست علمی - تخصصی دفتر مطالعات سیاسی با آقای بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

## مقدمه

با توجه به اهمیت موضوع فعالیت‌های هسته‌ای و مذاکرات بسیار مهمی که در حال حاضر میان ایران و کشورهای عضو ۵+۱ در جریان است بر آن شدیم تا نشست علمی - تخصصی در دفتر سیاسی با حضور کارشناسان دفتر و دکتر علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی برگزار کرده و روند پرونده هسته‌ای از آغاز تاکنون را مورد بررسی و بحث قرار دهیم. گزارش حاضر شامل مباحث صورت گرفته در این نشست است که علاوه بر تاریخچه مذاکرات، ابعاد حقوقی، سیاسی، فنی و اقتصادی پرونده هسته‌ای و مذاکرات مربوطه در آن مورد بررسی قرار گرفته است.

## پیشینه فعالیت‌های ایران و دستیابی به دانش هسته‌ای

موضوع هسته‌ای ایران از پر فراز و نشیب‌ترین موضوعات طی چند سال گذشته بوده است. البته فرآیند هسته‌ای شدن ایران به دوران قبل از انقلاب بازمی‌گردد، اما با توجه به ماهیت رژیم سیاسی وقت، قدرت‌های بزرگ چالش و مانعی در این رابطه ایجاد نکردند. به گفته دکتر اکبر اعتماد، بنیانگذار سازمان انرژی اتمی ایران، علیرغم تولید ۶ میلیون بشکه نفت توسط ایران [و آن هنگام] غربی‌ها فرآیند هسته‌ای ایران را تأیید کردند و ایران نیز موافقتنامه را امضا کرد. در آن مقطع زمانی، قرارداد متضمن تعهداتی بود که این مسئولیت به غربی‌ها شامل آمریکا و انگلیس و آلمان محول شد،



مشروط بر اینکه دانش هسته‌ای به ایران منتقل نشود. موضوعی که امروزه در مورد امارات و عربستان نیز مصداق می‌یابد که نیروگاه هسته‌ای در این کشورها احداث می‌شود بدون اینکه دانش فنی مربوطه به آنها انتقال یابد. عامل اصلی مناقشه هسته‌ای ایران و غرب نیز در همین نکته نهفته است که غربی‌ها تمایل ندارند ایران دانش فنی هسته‌ای در اختیار داشته باشد. کشمکش و نزاع دو طرف از این نقطه شروع شد تا اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، غرب این قرارداد را لغو کرد و جمهوری اسلامی ایران متعاقباً تصمیم گرفت خود به دانش هسته‌ای دست یابد که تاکنون نتایج مثبتی به همراه داشته است. در این مسیر منافقین به تبلیغات و فضاسازی علیه جمهوری اسلامی پرداختند که در نهایت به بازدید البرادعی، مدیرکل وقت سازمان انرژی اتمی از تأسیسات هسته‌ای ایران منجر شد. وی بعد از بازدید جمله معروفی را بیان کرد: «بنده به شما تبریک می‌گویم شما جزء ۱۰ کشوری هستید که این دانش را در اختیار گرفته‌اید».

ایران سانتریفیوژ را از همسایه شرقی پاکستان به دست آورد و آن را مهندسی معکوس کرد؛ از آنجا که الگوی پاکستان دانش هسته‌ای با هدف ساخت بمب هسته‌ای بوده است، در آزمایش‌های انجام شده بر روی تأسیسات و تجهیزات هسته‌ای ایران میزان غنای اورانیم ایران ۶۰ درصد نشان داده شد که واکنش‌های چالش‌انگیزی به همراه داشت. با وجود تمامی این مشکلات و علیرغم پیچیدگی‌های تکنولوژیک، ایران به مرحله ساخت و تولید و غنی‌سازی رسید.

امروزه، سیاست غرب و ایالات متحده در روند مذاکرات، متقاعدسازی ایران به

ایجاد نوعی تغییر خطمشی است. این دیدگاه توسط افراد مختلف به شدت القا می‌شود که ما منابع و ذخایر اورانیم کافی نداریم و ناچار به خرید آن هستیم و چقدر می‌توانیم کیک زرد تولید کرده و آن را به چرخه سوخت هسته‌ای تبدیل کنیم تا این سیکل ادامه پیدا کند و لذا باید این واقعیت را از همان اول می‌پذیرفته و به این عرصه وارد نمی‌شدیم و اما با عنایت الهی ورود پیدا کرده و موفق هم شدیم و امروز هم یکی از خطرات همین گونه القائات است. این درحالی است که بنده به یاد دارم که در سفری که در زمان مسئولیت در وزارت خارجه و قبل از نمایندگی مجلس به روسیه داشتیم، معاون وزیر خارجه روسیه صریحاً گفت که از «دید ما (روسیه) توان غنی‌سازی مساوی است با توان ساخت بمب هسته‌ای»، بعد از اینکه شما به این توان رسیدید، دیگر میزان غنی‌سازی فرقی نمی‌کند. زیرا می‌توان آن را به تدریج از ۳/۵ درصد به ۳۰ درصد و سپس ۹۰ درصد ارتقا داد و در این صورت ساخت بمب هسته‌ای، کار مشکلی نیست. اینکه اصرار دارند ما این توانمندی را نداشته باشیم و امروز هم تأکید غرب در مذاکرات فعلی بر این است که ایران غنی‌سازی ۲۰ درصد را متوقف سازد، برای همین است این درحالی است که غنی‌سازی ۲۰ درصد فی‌نفسه هیچ خلاف قانونی ندارد و تنها خط قرمز ساخت بمب هسته‌ای است. شاید ما در مقاطع بعدی نیازمند غنی‌سازی ۲۰ درصد برای رآکتور تهران باشیم و حتی ممکن است برای کارهای دیگر به درصدهای بالاتری احتیاج داشته باشیم. مثلاً متخصصان می‌گویند زمانی که بخواهیم موتور کشتی‌های اقیانوس‌پیمای ما هسته‌ای شود اورانیم با غنای ۶۰ درصد لازم است. پس اگر ما تعهد کنیم که غنی‌سازی بیش از ۲۰ و یا ۵۰ درصد را انجام ندهیم، عملاً خودمان را از این حق محروم کرده‌ایم.



## نقش مجلس شورای اسلامی در حفظ حقوق هسته‌ای

بنده در مجلس هیچ‌وقت دوره ششم را فراموش نمی‌کنم که آقای دکتر جلالی هم بودند و روزی به آقای محتشمی که جزء عقلای دوره ششم مجلس شورای اسلامی بودند، پیشنهاد دادم مصوبه‌ای بگذرانیم که طی آن دولت را ملزم کنیم در هر شرایطی فعالیت هسته‌ای را ادامه بدهد. ایشان تبسمی زدند و گفتند: شما از تحولات مطلع نیستید گفتم: چطور؟ ایشان پاسخ دادند که دیشب آقایان جلسه داشتند که دولت را مکلف کنند با طرح سه فوریت، دولت پروتکل الحاقی را بپذیرد و این یعنی تسلیم کامل. زیرا طرح سه فوریتی همان قانونگذاری درجاست. در مجلس ششم خیلی تلاش کردیم ولی به جایی نرسیدیم، اما در مجلس هفتم، آن ۴ مصوبه تاریخی را گذرانیدیم و دولت را موظف به پیگیری حقوق هسته‌ای ملت کردیم و اعلام داشتیم که اگر موضوع هسته‌ای ایران از شورای حکام به شورای امنیت انتقال یابد، ما دولت را مکلف خواهیم کرد اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی را متوقف سازد. در ملاقاتی که نمایندگان با حضرت آقا داشتند ایشان فرمودند این مصوبه شما از همه مصوبات تمام مجالس بعد از انقلاب مهمتر بود، زیرا راه را هموار کرد برای رسیدن به آنجایی که باید می‌رسیدیم. بنابراین نقش مجلس واقعاً نقشی اساسی بود؛ ما باید با شورای عالی امنیت ملی هماهنگ می‌کردیم باید به‌گونه‌ای موضوع را دنبال می‌کردیم که متضمن حفظ منافع ملی باشد در مقطع فعلی با توجه به اینکه غربی‌ها از همه امکانات خودشان برای تحریم‌ها استفاده کردند و قطعنامه‌های تحریمی و تحریم‌های

فراقطعنامه‌ای علیه ما تصویب کرده‌اند باید این فضا را بشکنیم و تغییر دهیم به نظر من شرایط کنونی به صورتی است که می‌توان به خوبی از آن استفاده کرد.

### دولت یازدهم و مذاکرات هسته‌ای

بعد از انتخابات اخیر این ذهنیت کاملاً تغییر کرد و این باور ایجاد شد که ما می‌توانیم با غرب به توافق برسیم. به خصوص اینکه تحولات قبلی هسته‌ای بالاخره در زمان حکمیت و دبیری آقای دکتر روحانی اتفاق افتاده بود، اما تفاوت این نوبت با نوبت قبلی در این است که ما در مقطع فعلی بر این دانش کاملاً مسلط هستیم. از استخراج اورانیم گرفته تا تهیه کیک زرد و تمامی دستگاه‌ها لازم برای تزریق و غنی‌سازی را به‌عنوان دانش در اختیار داریم. شرایط کنونی خیلی متفاوت است با زمانی که این قابلیت‌ها را در اختیار نداشتیم. این نکته که حضرت آقا به نرمش قهرمانانه اشاره فرمودند، به نظر بنده اشاره به این نکته است یعنی یک قهرمان توان و قدرت را دارد و می‌خواهد به طرف حریف برود. بنابراین می‌شود به‌گونه‌ای عمل کرد که متضرر نشویم منتهی این که نمی‌توان به نتایج مذاکرات خوشبین بود بحثی جدی است چون مذاکره یکطرفه است و در انتها باید امضا کنیم و متعهد شویم، مثلاً اگر ما متعهد شویم که بیش از ۵ درصد غنی‌سازی نکنیم این اگر بخواهد دائمی باشد حتماً برخلاف منافع ملی ماست چون همین رآکتور تهران که آمریکایی‌ها چهار دهه پیش ساختند در زمانی که ساخته شد سوختش هم ۹۳ درصد بود بعد در دنیا چند رآکتور دیگر هم ساختند که سوخت آن به ۲۰ درصد تغییر کرد و همین ۲۰ درصد را هم به ما ندادند



و ما ناگزیر شدیم خودمان برویم دنبال غنی‌سازی. لذا اگر ما در توافق جدید متعهد شویم که بیش از ۵ درصد غنی‌سازی نکنیم، به خانه اول برگشته‌ایم و دوباره با مشکل مواجه خواهیم شد و دستمان به سوی غربی‌ها دراز است. بنابراین به نظر من خیلی کار پیچیده و حساس و مهمی است. چیزی که آنها اخیراً مطالبه کردند یکی همین است که ما ۲۰ درصد را متوقف کنیم. مسئله دوم، محدود کردن میزان تولید است. مثلاً می‌گویند اگر شما ده هزار تا سانتریفیوژ دارید از این جلوتر نروید در صورتی که ما ممکن است نیازمند سی هزار دستگاه باشیم ما اگر موفق شویم که نیروگاه هسته‌ای را خودمان بسازیم بخش عظیمی از این نیروگاه‌ها نیازمند سوخت است و حتماً دستگاه‌های فعلی پاسخگوی آن میزان نیاز نخواهد بود. بنابراین خود این هم قدری خطرناک است. ما آب سنگین اراک را سال‌هاست ساخته‌ایم و در کنارش رآکتور چهل مگاواتی قرار دارد که با آب سنگین کار می‌کند آن هم مراحل آخر ساختش را طی می‌کند چون سیستم آن متفاوت است و پلوتونیم تولیدی‌اش قابل استفاده است. یکی دیگر از درخواست‌های طرف مقابل این است که پروژه اراک هم فعال نشود و قرار بر این است که امروز آقای عراقچی با آمانو ملاقاتی را انجام دهد. این هفته هم، کارگروه‌های طرفین در مورد تحریم جلسه دارند که خروجی آن در اجلاس آینده مورد بحث قرار خواهد گرفت. بنابراین آنچه که برای ما مهم می‌باشد این است که فشار تحریم‌ها را با توجه به جنگ اقتصادی و اهمیت موضوع کم کنیم، منتهی با توجه به تجارب گذشته نباید به موافقتنامه‌ای ورود پیدا کنیم که دست ما را برای مراحل بعدی می‌بندد. یعنی ظرافت‌های کار در اینجا است که طبیعتاً مذاکرات

علی‌الاصول مذاکراتی طولانی خواهد بود.

علاوه بر زمانبر بودن، این مذاکرات در عین حال حساس نیز می‌باشد. حالا خوشبختانه مجموعه تصمیماتی که در نهایت اتخاذ می‌شود آنقدر کنترل شده است که حتی بر روی یک تماس تلفنی طولانی هم حساسیت وجود دارد و در این اتفاقی که در سفر اخیر واقع شده، ملاحظه کردید به چه صورت این حساسیت اعلام شد. بنابراین در جمع‌بندی بخش اول صحبت‌هایم نتیجه می‌گیریم که ما دنبال این هستیم که اولاً حق ما را به رسمیت بشناسند چون ما این حق را در معاهده NPT عملاً به رسمیت شناخته شده داریم و بر آن مبنا عمل می‌کنیم که به لحاظ جهانی هم پذیرفته شده است ولی تفاوت در این است که اگر ۱+۵ امروز حقوق هسته‌ای ایران را به رسمیت بشناسد و آن را اعلام کند، پایه‌های قطعنامه‌هایی که بر مبنای آن ما را تحریم کرده‌اند، متزلزل می‌شود. زیرا اگر بگویند که شما غنی‌سازی را دارید و به رسمیت شناخته شده است، دیگر فلسفه وجودی تحریم‌ها زیر سؤال می‌رود. به نظر من نکته اساسی و مهمی که ما به دنبال آن هستیم، یکی همین نکته و دیگری بحث رفع تحریم‌هاست و اینکه علی‌الاصول باید فضا باز باشد و بیایند نیروگاه هسته‌ای برای ما بسازند چون ساخت نیروگاه هم قدرت ما را بالا می‌برد و هم عملاً نوعی عبور از تحریم‌های مهم است به خصوص تکنولوژی غربی‌ها خیلی متفاوت است با تکنولوژی روسیه و چین. بنابراین اگر به توافق برسیم ساخت نیروگاه‌های جدید باید بخشی از توافقات دوجانبه باشد این بخش‌هایی است که ما انتظار داریم و خط قرمز ما این است که غنی‌سازی قطعاً متوقف نخواهد شد و سایت فردو که قطعاً تعطیل نخواهد



شد. فردو عملاً دارای پدافند غیرعامل است یعنی در شرایطی قرار دارد که امکان حمله به آن وجود ندارد. با توجه به این که ما عملاً نیازهای رآکتور تهران را برطرف کرده و انبار نموده‌ایم یعنی نیاز فعلی ما نیست. بنابراین به نظر می‌رسد که غنی‌سازی ۲۰ درصد قابل مذاکره باشد با این تبصره که ما هر زمان دیگری نیاز به ۲۰ درصد حتی بیشتر از آن داشتیم بتوانیم غنی‌سازی کنیم. به نظر من این نکته در توافق آینده بسیار کلیدی است. اگر بخواهیم غنی‌سازی ۲۰ درصد و بالاتر از آن را کاملاً متوقف کنیم، کار اشتباهی است. پروتکل الحاقی هم خانه آخر است خوشبختانه ما در مجلس چون مصوب کردیم که دولت حق ندارد اجرا بکند نیازمند مصوبه مجلس است و دولت نمی‌تواند عملاً در این زمینه توافقی را انجام بدهد. خروج مواد از ایران هم که قطعاً منتفی است و جزء خطوط قرمز است

### پرسش و پاسخ

• **آقای متقی:** آیا دولت این نگاه را دارد که انعطاف‌پذیری منجر به تعلیق شود برای اینکه ما بتوانیم در دوران تعلیق سانتریفیوژهای جدیدتری را هم تولید کنیم؟ به عبارت دیگر دوران صلح، دوران انبار کردن قدرت است و دوران درگیری، زمان استفاده از آن است که در این صورت ممکن است موازنه قوا به هم بخورد به نظر شما اگر امروز روابط ایران و انگلیس برقرار شده، انعکاس ابتکار جک استراو است؟ اگر روابط ایران و کانادا در حدی برقرار شود آن هم تحت تأثیر ابتکاری است که از

آنجا صورت گرفته است. یعنی انگلیس در حوزه دیپلماسی جهانی تحول جدیدی ایجاد کرده و این که حتی بعد از مذاکرات ژنو، تیم انگلیسی قبل از این که به لندن برود، سریع به تل‌آویو می‌رود و در آنجا مذاکرات را انجام می‌دهد در واقع، نشان‌دهنده این واقعیت است که انگلیس یک نقش هماهنگ‌کننده دارد. حالا اگر در این فضا به این جمع‌بندی برسند که تعلیق انجام شود و تعلیق غیردائمی مثل همان بازی پیش که دفعه قبل غربی‌ها انجام دادند حتی ذهنیت آمریکایی‌ها این است که ما غنی‌سازی را انجام ندهیم. بحث‌هایی که او با ما دارد این است که ایران غنی‌سازی را انجام دهد، اما پروتکل الحاقی را تصویب نکند. در اینجا، یک تناقض بین تعلیق غنی‌سازی و تصویب پروتکل الحاقی به چشم می‌خورد. یعنی شما به غنی‌سازی ادامه بدهید ولی پروتکل الحاقی ۲+۹۳ را تصویب کنید و این تصویب مبنای اعتمادسازی تلقی گردد. شما فکر می‌کنید فضای عمومی کشور چگونه است؟ بنده فکر می‌کنم که روند وزارت خارجه یا همان روند مذاکرات به این سمت است که یا به سمت تعلیق بدون پروتکل برود و یا ادامه غنی‌سازی با پروتکل الحاقی را دنبال کند. یعنی بنده که از فاصله دور موضوعات را پیگیری می‌کنم بحث داخل آمریکا را هم دنبال می‌کنم مخصوصاً بحث خانم «وندی شرمن» را اما بنده در فضای حاشیه‌ای پیگیر این موضوع هستم نه ساختاری. حال شما که مقام مسئول هستید تجربه وزارت خارجه و شورای امنیت را دارید و به فضای دیپلماتیک وقوف دارید، نقش این بازیگران را هم می‌دانید ارزیابی شما واقعاً چیست؟ به نظر من، اگر دولت مشکل جدی در این فضا نداشته باشد هیچ وقت مذاکرات را محرمانه نمی‌کند. آن هم دولتی که دیپلماسی عمومی دارد هدف



دیپلماسی عمومی هم متقاعدسازی است. ارزیابی من این است که دولت تمایل ندارد به مجلس اطلاعات دقیق بدهد زیرا حرف‌های ناگفته دارد. واقعاً ارزیابی و دورنمایی که می‌بینید چیست؟ چون بازی، یک بازی پلکانی است و در این بازی مهم‌ترین مسئله این است که به جمع‌بندی برسیم که آن هدف بنیادین هم دچار تردید شده و طبق اصل اولویت‌بندی باید بگوییم حفظ نظام سیاسی اوجب واجبات است، اما غنی‌سازی اورانیم که از واجبات نیست حالا اگر تناقض به‌وجود بیاید بین این دو چه باید بکنیم؟ و نکته بعدی اینکه آمریکایی‌ها تحلیلشان این است که ایران در فضای مشکلات اقتصادی قرار گرفته و ایران براساس تکلیف عمل می‌کند؛ تکلیف یعنی برو تا جایی که می‌توانی حالا رفته تا جایی که دیگر نمی‌تواند ادامه دهد و به همین دلیل وارد انعطاف شده است. لذا باید فشار بیشتر را روی ایران اعمال کرد چون ممکن است وضعیت که تغییر کند دوباره یکسری گزینه‌های دیگر را داشته باشد شما چه تحلیلی دارید؟

• **آقای بروجردی:** بنده مقدماتی را که عرض کردم به همین سؤال شما مربوط بود که برخی همین امروز دارند القا می‌کنند برای چه باید این همه هزینه بدهیم؟ اورانیم که نداریم یعنی آیه‌های یأس را می‌خوانند که بنیه را از داخل تضعیف کنند و دیگر نیازی به قطعنامه، فشار و تحریم نباشد. کافی است که در اراده پولادین شما تردید ایجاد شود، این بزرگترین برد برای آنهاست.

این مقدمه را بنده از همین باب عرض کردم که ما بدبینی داریم. حضرت آقا فرمودند که ما به آمریکایی‌ها بدبین هستیم و به شماها خوشبینیم و این کلام کاملاً

حقی است، ولی با توجه به تجربه تاریخی یک سهم مختصری از این بدبینی را باید در عرصه داخلی هم لاجرم تعریف کرد یعنی حتماً داشتن یک نگاه مطلق خوشبینانه و ساده‌انگارانه، غیرمنطقی است. هم اینکه ما باید در این شرایط حتماً توانمندی را بالا ببریم به میزانی که آنها احساس کنند که اراده ما محکم است. کشف معادن اورانیم ۲۰ درصد در کل کشور نیز انجام نشده است یعنی ما امور مربوط به بخش عظیمی از معادن که می‌تواند بالقوه وجود داشته باشد را دنبال نکردیم. مسئله کشف معادن قبل از انقلاب به صورت سطحی انجام شده است مثلاً در یزد و بندرعباس معادنی است اگر تصمیم و اراده وجود داشته باشد حتماً باید محکم جلو برویم بنابراین هرگونه اقدام و توافقی که کار را از داخل دچار تردید کند. یا دست و پای ما را ببندد قطعاً برخلاف منافع ملی ماست چون در هر صورت تجربه ۸ ساله جنگ نشان داد که ما تنها باید به توانمندی‌های خودمان تکیه کنیم.

ازسوی دیگر توانمندی هسته‌ای موضوعی همه‌جانبه است، هم اقتصادی است و هم امنیتی. اگر وجود نداشته باشد ایران هم قابل فشار است. بنابراین در نکته اول حتماً این توانمندی را باید هم حفظ کنیم و هم تقویت تا آنها دندان طمع را بکشند. این نکته‌ای که عرض کردم را به صورت صریح در مذاکرات مطرح می‌کنند. مثلاً می‌گویند فاصله ساخت بمب هسته‌ای در ژاپن دو هفته و در ایران حدود دو سال است. می‌تواند خیلی کمتر از این باشد ولی حتماً استراتژی ما عدم ساخت بمب هسته‌ای است. بمب هسته‌ای لزوماً توانمندی وارد نمی‌کند مثلاً پاکستان تنها کشور اسلامی دارای بمب هسته‌ای است و آمریکایی‌ها به‌طور مداوم حریم هوایی پاکستان را نقض



کرده و شهروندان این کشور را مورد هدف قرار می‌دهند. پاکستانی‌ها هم نمی‌توانند کاری بکنند. این چه بمب هسته‌ای است؟ و چه خاصیتی برای توانمندی دفاعی دارد؟ در حالی که همان هواپیمای بدون سرنشین را ایران با کمال قدرت به پایین می‌کشانند و مهندسی معکوس می‌کند به صورتی که سردار حاجی‌زاده می‌گفت این هواپیما آنقدر دستگاه‌های پیچیده‌ای داشت که ما را به لحاظ توان فنی و تکنولوژی بیست سال به جلو انداخت. اینها توانمندی‌هایی هستند که خارج از بحث ماست علل متعددی دارد که ایران این توانمندی را دارد بنابراین حتماً باید این روند استمرار پیدا کند. ما باید این را به‌عنوان حق تعریف شده‌ای از مقررات بین‌المللی تلقی کنیم نه اینکه مستثنا باشیم. حتی ژاپن را زمانی به‌طور مستمر مثل ایران چک می‌کردند و مدام هیئت نظارت می‌آمد در نهایت پروتکل الحاقی را پذیرفت. آنها حتماً دنبال تصویب پروتکل الحاقی خواهند بود منتهی آن گام آخر است بنده معتقدم حتماً باید کنترل کرد و از اطلاعات ریز مطلع بود. البته همه اینها ضبط و منتقل می‌شود حتی اگر جمله‌ای در آنجا گفته شود، از دید مقام معظم رهبری پنهان نمی‌ماند. تمام مذاکرات ثبت و ضبط و منتقل می‌شود و حرفی خارج از قاعده گفته نمی‌شود و نمی‌تواند به توافق برسد. بنابراین کار هدایت شده است منتهی به نظر من آن تردید بجاست.

• **آقای محمدخانی:** در مورد اورانیم همان‌طور که فرمودید، اکتشاف اورانیم در کشور ما متأسفانه ضعیف است. در این عرصه سرمایه‌گذاری لازم انجام نشده است. اما قطعاً کشور دارای ظرفیت است. ما اصولاً در اکتشاف سرمایه‌گذاری نکردیم و این

خیلی بد است حتی در معادن ساده هم این کار را نکردیم. اصولاً اکتشاف هسته‌ای نباید بستگی به این داشته باشد که من منابع مورد نیاز در این قضیه را دارم یا ندارم. علم هسته‌ای به منزله جهش در سایر علوم است. شما اگر علوم هسته‌ای داشته باشید طبعاً در بخش‌های دیگر نیز جهش خواهید داشت، مثل کشاورزی، بهداشت و درمان و غیره. بنده اعتقاد دارم خواسته یا ناخواسته در داخل کشور به علت عدم برنامه‌ریزی به تأثیرگذاری تحریم‌ها کمک کردیم. ما در هیچ بخشی برنامه نداریم نه در کشاورزی، نه در صنعت نه در معدن و نه در آب. عنصر بنیادین هر توسعه‌ای آب یک کشور است ما طرح جامع آب نداریم در واقع، ما به نوعی خودتحریمی کردیم. اینکه چه طور این اتفاق افتاد، نمی‌دانم ولی امیدوارم که ناخواسته باشد و نظام برود به سمت اینکه برای کشور طرح و برنامه داشته باشد یک طرح توسعه جامع و سپس برای هر بخشی برنامه و استراتژی داشته باشد که متأسفانه فعلاً چنین چیزی نیست. به عنوان مثال مطلع هستید که ما در بخش کشاورزی، تا سال ۱۳۸۴ سالیانه حدوداً سه میلیارد دلار واردات مواد غذایی داشتیم. اما الان به ۱۴ میلیارد دلار رسیده‌ایم. علت این است که برنامه نداریم این برنامه خواسته یا ناخواسته به این کشور تحمیل شده و باید نظام تدبیری بیاندیشد. در یک تحلیل سیاسی که از تلویزیون پخش می‌شد، می‌گفتند که ایران تا سه سال دیگر می‌تواند این سیستم را حتی در تحریم نگه دارد.

• آقای بروجردی (پاسخ): بنده کاملاً با نظرات شما موافقم. در بحث هسته‌ای یک برنامه جامع نداریم مثلاً کشور چین که ۹,۶۰۰,۰۰۰ کیلومتر وسعت و ۸/۵ درصد



اراضی مزروعی دنیا را در اختیار دارد. با این ۸/۵ درصد غذای بیست درصد از مردم دنیا را تولید می‌کنند که همان جمعیت خودش است و صادر نیز می‌کند. محصولات نظیر ذرت و غیره. کشاورزی آنها هم سنتی است، اما این موفقیت حاصل مدیریت منطقی زمین و آب است. در دهه چهارم انقلاب این مسائل کجا باید حل شود؟ کجای نظام باید برای بخش‌های مختلف ما نقشه جامع راهبردی درازمدت پیش‌بینی کنند؟ ضعف ما نداشتن یک برنامه مدون دقیق مطالعه شده در همه زمینه‌ها به خصوص امور هسته‌ای است ما چشم‌انداز ۲۰ ساله را مصوب کردیم، اما در کشور با عوض شدن دولت‌ها سیاست‌ها هم تغییر می‌کند.

• **آقای جمالزاده:** احساس می‌شود دولت یازدهم رویکردی را که در بحث هسته‌ای اتخاذ کرده رویکرد پیشبرد سیاست خارجی برای حل مسائل داخلی از جمله تحریم‌ها می‌باشد. به نظر می‌رسد جامعه نیز به این جمع‌بندی رسیده و می‌گویند رأی که آقای روحانی گرفت رأی به سیاست خارجی ایشان بود و عملاً اقتصاد مقاومتی به این معنا که تکیه بر داشته‌های خود پیشرو بحث سیاست خارجی باشد، به حاشیه رانده شد. بنده می‌خواستم بدانم در این مدت همکاری دولت و مجلس آیا این احساس در مجلس ایجاد شده که قرار بر این است که سیاست خارجی و بحث هسته‌ای با مذاکراتی که صورت می‌گیرد و یا امتیازاتی که داده می‌شود - که آقای متقی هم به آنها اشاره کردند - حل شود که پیامدهایش مسائل داخلی را نیز شامل می‌شود یا این هم یک دوره‌ای است که می‌خواهیم آزمایش کنیم. یکبار دیگر از این منظر وارد

مذاکره شویم و در نهایت به نتیجه دلخواه نرسیم و برگردیم به همان اقتصاد مقاومتی که شعارش را از قبل، دولت گذشته هم می‌داد. ضمناً علائمی که از طرف غربی می‌رسد حاکی از آن است که آنها می‌گویند: تحریم‌های ما اثر کرده است و نباید از شدت آنها بکاهیم و حتی خود او باما علی‌رغم همه صحبت‌های دیپلماتیک مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند غنی‌سازی داشته باشد، تأکیدش بر حق استفاده از غنی‌سازی است نه اینکه خودش عملاً آن را در اختیار داشته باشد به نظر می‌رسد با این روندی که آنها اتخاذ کردند، تحریم‌ها حفظ شوند. حتی، کنگره آمریکا مجدداً صحبت تحریم‌های جدید را مطرح می‌کند شما این روند را چگونه می‌بینید؟ دورنمای مذاکرات چگونه است؟ آیا می‌شود امیدوار بود که به یک نتیجه مشخص برسیم یا دوباره یک آزمون است و برمی‌گردیم به روند قبلی و مضراتی که برای ما داشته باشد و به‌ویژه رویکرد دولت یازدهم چگونه است؟

• **آقای بروجردی (پاسخ):** فکر می‌کنم اواخر دولت دهم هم این دیدگاه جوانه زده بود که بالاخره ما اگر بخواهیم مشکلات تحریم‌ها و فشار اقتصادی را حل بکنیم به گونه‌ای باید با آمریکایی‌ها تفاهم بکنیم و حتی در جلسه‌ای مشکلات اقتصادی را با حضرت آقا مطرح کردند حضرت آقا فرمودند حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی معنی‌اش این است که هر دو را مدنظر دارند. این دو باید با هم رقم بخورد که سیاسی‌اش انجام شد و این قسمت‌اش مانده است. درواقع، در زنجیره مشکلات اقتصادی بالاخره یک حلقه مهم بحث تحریم است. بحث تحریم نیز با بحث هسته‌ای ما گره خورده است، و نهایتاً بحث هسته‌ای



هم به سیاست ما گره خورده است. در بحث هسته‌ای نیز دو گزینه در پیش داریم. ادامه این راه و یا تغییر این سیاست‌ها. برداشت غربی‌ها این است و آنها می‌گویند رها کنید تا رها کنیم. این ذهنیت را دارند که اگر مشکلات را حل کنیم یا فکری برای این تحریم‌ها انجام بدهیم این وضعیت موجود تغییر می‌کند. بنابراین در ذهن دولت فعلی همین است که برداشت می‌شود منتها این نکته واقعیت است که بسیاری از موفقیت‌ها و پیشرفت‌هایمان در دوره تحریم تحقق یافته است و حتی در عرصه نظامی اگر فرض را بر این بگیریم که ۳۰ سال پیش آمریکا ما را تحریم نمی‌کرد از این جنگنده F14 و هیلکوپتر کبری و موشک‌هایشان به ما می‌دادند، قطعاً امکان نداشت ما این توانمندی‌ها را پیدا کنیم. به یاد دارم موشک هاگ یک لامپی دارد که خیلی دقیق است و برای هدف‌گیری هواپیماها مورد استفاده قرار می‌گیرد. زمانی این لامپ را به ما نمی‌دادند، اما امروز همین‌ها را می‌سازیم این واقعیت را فراموش نکنیم این موفقیت‌ها در دوران فشارها و سختی‌ها به دست آمد. بالاخره اگر تجهیزات در اختیار ما باشد کسی به دنبال ساخت آن نمی‌رود به راحتی وارد می‌شود و منابع عظیم نفت را هم داریم و شاید احساس نیاز نمی‌کردیم، کاری که بسیاری از کشورها نیز انجام می‌دهند. در بحث تحریم این نکات مثبت نباید فراموش شود که توانستیم این قدر موفق عمل کنیم. تصور من این است که در شرایطی که قرار داریم با توجه به استعداد جوانان و غیرت ملی و روحیه انقلابی توانسته‌ایم در نانو در ردیف ۹ و ۸ کشور جهان قرار بگیریم یعنی هم سطح با کشورهای انگلیس و فرانسه. این پیشرفت‌ها تحول مهمی است. با وجود این تحریم را به‌عنوان یک واقعیت نمی‌شود کتمان کرد بخش قابل توجه از این ماجرا همان است که آقای دکتر فرمودند خیلی از تحریم را خودمان به

صورت خودتحریمی در داخل کشور به وجود آوردیم. من معتقدم که برخی از تصمیم‌سازی‌ها توسط عناصری صورت می‌گیرد که اطلاع کافی در این زمینه‌ها ندارند. جدای از این بحث‌ها به نظر من تفاوت مهم امروز با وضعیت قبلی این است که ما این دانش را در اختیار داریم. بالاخره مجلس برای تصمیمات مهم آمادگی دارد این‌گونه نیست که ما در شرایط ضعف قرار داشته باشیم و آنها بتواند فشار وارد کنند. شرایط ایران به گونه‌ای است که مصوبه مجلس جدای از نکاتی که اعلام می‌کند، دولت را ملزم کند که غنی‌سازی ۶۰ درصد را انجام بدهد. علت اینکه امروز می‌گویند از ۲۰ درصد، ۵ درصد را داشته باشید. ما ۲۰ درصد را داریم به نظر من ما در یک گذرگاه بسیار حساس و خطرناک قرار داریم که برای سرنوشت کل کشورمان مهم است. آنچه که برای ما حیاتی و ضروری می‌باشد این است که فرد یا کسانی که در خط مقدم مذاکرات را انجام می‌دهند، این اعتقاد را داشته باشند. این تفکر متأسفانه در بخشی از دولت وجود دارد که آمریکایی‌ها اگر بخواهند در طرفه‌العین ایران را با قدرت نظامی نابود می‌کنند. برخلاف تصور این افراد، جنگ ۳۳ روزه قدرت‌نمایی جمهوری اسلامی ایران بود. مسئله‌ای که آمریکا و اسرائیل را به زانو در آورد، از سال ۲۰۰۰ به این طرف در چهار جنگ اخیر اسرائیلی‌ها باختند خیلی مهم است این قدرت ماست چرا باور نداریم، که در برخی از این دولتمردان جدید این باور ضعیف است، ما این توانمندی را داریم. این هم تئوری نیست و در عمل با تجارب جنگ ۸ روزه، ۲۲ روزه، ۳۳ روزه و تحولات سال ۲۰۰۰ میلادی و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی لبنان مشخص شد که در جنگ هشت روزه جهاد اسلامی بیانیه رسمی داد که از فتنگ تا والفجر را ما از ایران گرفتیم می‌دانند جنگ ایران



با آنهاست. در سوریه هم به همین صورت است. بنابراین اگر این چنین است ما این قدرت را داریم که از موضع قدرت مذاکره بکنیم هم حقمان را تثبیت کنیم و هم گام‌های بعدی را برداریم و این خیلی مهم است که ما این باور را داشته باشیم به نظر من شاه‌کلید قضیه این است. بالاخره پشتوانه مذاکرات تصمیماتی است که در محضر آقا اتخاذ می‌شود و قویاً معتقد به این نکته هستند و راهبرد نظام هم همین است امیدوار هستیم این نظر در صحنه عمل نیز محقق شود و جا بیافتد.

• **آقای دلاورپور:** ترمیم روابط با اتحادیه اروپا، تعدیل تنش‌ها با آمریکا، انسجام‌افزایی در داخل، ارتقای شرایط اقتصادی از دریچه سیاست خارجی و کاهش بار ایران‌هراسی؛ پنج اصل سیاست خارجی دولت یازدهم محسوب می‌شود، ولی در دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم رکن دیگری نیز به سیاست خارجی اضافه شده که از آن با عنوان رویکرد ابهام و محرمانه نگه داشتن محتوای مذاکرات نام می‌برند. این رویکرد می‌تواند با اصل انسجام‌افزایی در داخل اصطکاک‌هایی را به وجود آورد.

حوزه‌های چالشی جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات هسته‌ای در ۱۱ مورد بروز و ظهور دارد که عبارتند از:

۱. مطالعات ادعایی تسلیحاتی شدن (غنی‌سازی لیزری و ریخته‌گری کلاهک‌های هسته‌ای)،

۲. تأسیسات غنی‌سازی فردو،

۳. سطح غنی‌سازی (از ۳/۵ درصد تا ۲۰ درصد)،

۴. تأسیسات آب سنگین اراک،
۵. مجتمع نظامی پارچین،
۶. معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای،
۷. ذخایر اورانیم با غنای بیست درصد،
۸. ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای،
۹. تعداد سانتریفیوژهای فعال،
۱۰. ساخت سانتریفیوژهای پیشرفته،
۱۱. پروتکل الحاقی.

محورهای سخنرانی جنابعالی نشان می‌دهد مجلس شورای اسلامی الگوی ۳-۱۱ را برگزیده است و از یازده مورد فوق‌الذکر، سه محور حفظ غنی‌سازی، ذخایر اورانیم و تأسیسات فردو به عنوان خط قرمز در مذاکرات هسته‌ای در دستور کار قرار گرفته که بیشتر دارای ملاحظات فنی است و به نظر می‌رسد ملاحظات دفاعی و امنیتی مغفول واقع شده است. برای مثال ما در حوزه مطالعات ادعایی تسلیحاتی شدن (ابعاد نظامی احتمالی) یا بازرسی از مجتمع نظامی پارچین دارای ملاحظات دفاعی هستیم. به عنوان مصداق دیگر می‌توان به افزایش احتمال خروج اطلاعات و اسناد طبقه شده یا شناسایی دانشمندان هسته‌ای و قرار گرفتن آنها در کانون ترور پس از تصویب پروتکل الحاقی اشاره کرد که دارای هزینه‌های امنیتی - اطلاعاتی برای کشور است. چه بسا در حوزه اولویت‌بندی امنیت ملی؛ ملاحظات دفاعی و اطلاعاتی دارای اهمیتی بالاتر از ملاحظات فنی باشند.



توصیه می‌شود کمیسیون امنیت ملی به عنوان عالی‌ترین نهاد قانونگذاری و نظارتی کشور دقت نماید توازن و تناسب در مذاکرات آتی رعایت شود. ارجاع موضوع هسته‌ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه باعث نشود ملاحظات دفاعی، امنیتی و اطلاعاتی مغفول واقع شوند. در مذاکرات آتی بایستی تجمیعی از اولویت‌های امنیت ملی لحاظ و در جمع‌بندی‌ها ملاحظات نهادهای دفاعی و امنیتی نیز گنجانده شوند، زیرا تداوم همکاری‌های فرآپادمانی در حوزه‌هایی مانند مجتمع نظامی پارچین یا اتهامات مرتبط با تداعی ارتباط بین فعالیت‌های موشکی و دانش هسته‌ای نظامی مستلزم همکاری و موافقت نهادهایی همچون وزارت دفاع و نیروهای مسلح است. لازم است قبل از تصمیم‌گیری نهایی نظر ساختارهای ذیربط لحاظ شود.

رصد گزارش‌های جامعه اطلاعاتی و گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس آمریکا بیانگر این واقعیت است که آنان به تصاعد قدرت دفاعی ایران در بخش دفاع هوایی و بازدارندگی موشکی اذعان دارند. در نتیجه حفاظت از اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی شده و صیانت از دستاوردهای بازدارندگی هوایی بایستی به‌عنوان یک اولویت دیپلماسی دفاعی پارلمانی مورد توجه قانونگذاران قرار گیرد. در اسناد بالادستی به‌ویژه قانون برنامه پنجم نیز بر صیانت از قابلیت‌های دفاع هوایی تأکید شده است. نکته قابل تأمل این است که در مطالعات ادعایی تسلیحاتی شدن که واشنگتن و آژانس اتمی خواستار همکاری تهران در این حوزه‌ها نیز شده‌اند، آمریکا با شبیه‌سازی مدل عراق خواستار افزایش بازرسی‌ها از صنایع موشکی وابسته به وزارت دفاع و سپاه پاسداران شده است. حال این سؤال مطرح است آیا حفظ

بازدارندگی کشور در شمول خطوط قرمز محسوب نمی‌شود؟

پیشنهاد می‌شود در ترکیب تیم مذاکره‌کننده، کارشناسان امنیت ملی و مشرف بر حوزه‌های دفاعی نیز حضور داشته باشند یا مرجعی در قالب اتاق فکر برای لحاظ کردن نظر آنان ایجاد شود.

ساختار دیگری که به صورت مستقیم در روند مذاکرات آتی وارد خواهد شد، مجلس شورای اسلامی است. به نظر می‌رسد در مذاکرات آتی محورهایی مطرح خواهد شد که تصمیم‌گیری در قبال آنها ورود به حیاط خلوت قوه مقننه خواهد بود. به همین دلیل لازم است موارد زیر در مختصات دیپلماسی پارلمانی مجلس نهم مشخص شوند:

۱. حوزه‌های تعارض محورهای مورد توافق تیم مذاکره‌کننده با قوانین مصوب مجالس هفتم و هشتم.

برای مثال بر اساس مصوبات مجلس بایستی تا افاق ایران ۱۴۰۴ بیست هزار مگاوات برق هسته‌ای تولید شود. قانونگذاران بایستی از هم‌اکنون مشخص کنند توافقات احتمالی به چه میزان اجرایی شدن مصوبات مجلس را با چالش مواجه می‌کند.

۲. نقشه راه مجلس شورای اسلامی در خصوص چگونگی رفتار قانونگذاران با پروتکل الحاقی و معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای بایستی مشخص شود.

۳. چگونگی تقویت ابزارهای نظارت پیشینی مجلس شورای اسلامی در مذاکرات آتی لحاظ شوند.

۴. سازوکارهای فعال‌سازی گسل‌های دیپلماسی پارلمانی هسته‌ای برای کمک به دیپلمات‌های هسته‌ای و نحوه شکل‌گیری تفاهم و گفت‌وگو مشترک در خصوص



اولویت‌های منافع ملی در مذاکرات آتی طراحی شود.

برای مثال می‌توان به دیپلماسی پارلمانی چکشی آمریکا و اتخاذ رویکرد رادیکال قانونگذاران کنگره در قبال ایران و برعکس رویکرد معتدل‌تر باراک اوباما اشاره کرد. دیپلماسی پارلمانی آمریکا طوری اجرایی می‌شود تا قدرت مانور تیم مذاکره‌کننده آمریکا در مذاکرات ژنو را افزایش دهد.

در این راستا تدوین نقشه جامع چهارساله دیپلماسی پارلمانی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند محرک دیپلماتیک مجلس شورای اسلامی در حوزه‌های راهبردی را افزایش دهد.

نکته دیگری که ضرورت دارد به آن توجه شود موضوع شبیه‌سازی مذاکرات آتی با هدف غافلگیر نشدن در برابر سناریوهای مختلف است. برای مثال شبیه‌سازی رفتار مجلس شورای اسلامی در سناریوهای مختلف پرونده هسته‌ای بایستی مورد توجه قرار گیرد. شبیه‌سازی از غافلگیری مذاکره‌کنندگان تیم هسته‌ای یا قانونگذاران مجلس نهم در مواجهه با شرایط غیرمنتظره جلوگیری می‌کند و ضریب خطای نظام قانونگذاری کشور در مواجهه با شرایط غیرمنتظره را کاهش می‌دهد. برای مثال اگر لازم شود جمهوری اسلامی ایران در یک مدت زمان کوتاه در قبال پروتکل الحاقی تصمیم بگیرد بایستی پیشتر در طرح‌های مطالعاتی شبیه‌سازی، آسیب‌های احتمالی و راه‌های خروج از بحران را مشخص کرده باشد.

سؤال اینجانب این است که راهبرد دیپلماسی پارلمانی مجلس نهم برای ایفای نقش فعال‌تر در مذاکرات آتی یا تقویت نظارت پیشینی بر محتوای مذاکرات هسته‌ای بر چه محورهایی بنا شده است؟

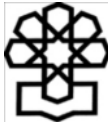
• **آقای بروجردی:** در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، از سال‌های قبل یک کمیته هسته‌ای وجود داشت و بنده هم عضو این کمیته بودم، لذا این مسئله در دوره جدید شکل نگرفته است. اما این نکته بسیار مهمی است که آنها احساس کنند که مجلس یک نهاد مستقلی است و جدای از تصمیمات دولت و تیم مذاکره‌کننده حق و تو دارد و می‌تواند مذاکرات را متوقف کند. در واقع، مجلس برای بالا بردن قدرت چانه‌زنی تیم مذاکره‌کننده کشورمان نیز حتماً حائز اهمیت است. غربی‌ها یک بار تجربه کردند که ما در مجلس اعلام کردیم که اگر مسئله هسته‌ای ایران را به شورای امنیت منتقل کنید حتماً اجرای پروتکل الحاقی که به صورت داوطلبانه انجام می‌شد متوقف خواهد شد و خواسته خود را عملی نمودیم. بنابراین این را هم آنها در حافظه تاریخی‌شان دارند منتهی چون اول کار دولت است هنوز این نکاتی که ما دنبال آن هستیم شکل جدی به خود نگرفته است و به نظر من بسیار ضروری است که شکل بگیرد. اطلاع دارید که در دولت قبلی، آمدند و ۲۰ نقطه نظامی از جمله پارچین را بازدید کردند. سرزده می‌آمدند و می‌رفتند در فردو چیزی از دید آنها پنهان نیست دوربین‌های آژانس فعال است و به طور لحظه‌ای عکس‌برداری و فیلم‌برداری می‌کند و ثبت و ضبط می‌شود بازرسان می‌آیند و به نظر من تأکیدشان روی فردو به خاطر این است که ما آسیب‌پذیر باشیم. آنها موشک‌هایی دارند که ۲۰ تا ۶۰ متر می‌شکافد و زیرزمین می‌رود اگر داخل کوه باشد که نمی‌توانند این کار را بکنند عملاً توان خودشان را از دست می‌دهند و حساسیت روی این نکته است. بنابراین کاملاً قبول داریم باید حتماً از مجموعه ظرفیت مجلس بیش از وضعیت فعلی استفاده شود که امیدواریم بتوانیم با این دولت جدید به توافقی برسیم و مجموعه پیشنهادهاتی که شده است را عملیاتی کنیم.



• **آقای امیری:** برخی کارشناسان اعتقاد دارند که در آمریکا میان دولت و کنگره این کشور یک تقسیم کار در مورد موضوع هسته‌ای ایران شکل گرفته به نحوی که در چارچوب استراتژی «چماق و هویج» دولت پیگیر یک سیاست نسبتاً ملایم‌تر است. کنگره موضع سخت‌تری را در این زمینه اعمال می‌کند و اما هر دو نهاد در چارچوب اعمال استراتژی واحد در قبال ایران عمل می‌کنند. از بعد از روی کار آمدن دولت یازدهم در ایران در داخل مجلس شورای اسلامی هم مواضعی از سوی برخی نمایندگان اعلام و اتخاذ می‌شود که در برخی موارد با رویکردهای دولت در حوزه سیاست خارجی و از جمله در حوزه هسته‌ای متفاوت است. سؤال این است که آیا پیگیری این سیاست در چارچوب تقسیم کار مشخصی است که بین دولت و مجلس شورای اسلامی به انجام رسیده و در چارچوب یک استراتژی واحد دنبال می‌شود یا اساساً به دلیل اختلاف مجلس با رویکرد دولت جدید در حوزه هسته‌ای قابل توضیح است.

• **آقای بروجردی:** من تردید دارم که در آمریکا یک طراحی و تقسیم کار مطلق وجود داشته باشد. یعنی در آنجا اختلاف نظر بین کنگره و دولت در خیلی از مسائل سیاست خارجی جدی است. در عین حال، ممکن است نقش آنها را تعریف کرده باشند. ما از دو دوره قبل یک توافقی را با وزارت خارجه کردیم که به صورت نوبه‌ای در محل مجلس و یک بار هم در وزارت خارجه وزیر و معاونین و مجموعه کمیسیون گفتگو صورت پذیرد. به عنوان مثال، وقتی تیم هسته‌ای می‌خواستند اعزام شوند ما به لحاظ اینکه پشتوانه‌ای را داشته باشند ۲۲۰ امضا جمع کردیم و دکتر جلیلی هم از این

پشتوانه استفاده کرد. مخالفت مجلس با برخی مسائل در دولت جدید هنوز شکل نگرفته است. منافع ملی ما حکم می‌کند که برخی از اقدامات را طراحی شده جلو ببریم که متأسفانه در نظام کمتر از این ظرفیت به این‌گونه هماهنگ و سازمان یافته استفاده می‌شود. نقص ما در سیاست خارجی این است که کشورهای مقابل به‌طور مستمر در گوش عرب‌ها می‌خوانند بالاخره انسان تأثیرپذیر است مثلاً پارلمان انگلیس محمل رفت‌وآمد سازمان منافقین است پارلمان اروپا هم همین‌طور. این مهم است که ما ارتباط داشته باشیم. اما ارتباط مؤثر نداریم. ارتباط دشمنان ما با اینها ده‌ها برابر است و در عین حال، انتظار داریم که اینها خوشبین باشند و این خیلی فرض غیرواقع‌گرایانه‌ای است. بنابراین به‌نظر من حتماً باید ارتباطات را گسترده کرد و حالا که فضا باز شده به‌طور منظم از پارلمان‌های مختلف دعوت کنیم که به ایران بیایند. حتماً اثرگذار خواهد بود.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۴۳۴

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مذاکرات هسته‌ای و رویکرد مجلس شورای اسلامی سخنان:  
دکتر علاءالدین بروجردی گزارش نشست علمی - تخصصی دفتر مطالعات  
سیاسی (۱۲)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه امنیتی دفاعی)

سخنران: علاءالدین بروجردی

تهیه و تنظیم‌کنندگان: محمدمهدی احمدی معین، مهدی یزدان‌پناه

ناظر علمی: —

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵